الزامات غیر ممکن

محمدحسین اعتضادی*: پرداخت نقدی یارانه‌ها به‌عنوان طرح بزرگ تحول ساختاری در اقتصاد ایران گرچه هدف مطلوبی در جهت هدفمند کردن پرداخت یارانه‌ها ارزیابی می‌شود اما نیازمند شرایط و الزاماتی است که فراهم نبودن این الزامات موجب شده طرح این موضوع را هربار با تاخیر در اجرا مواجه کند.

چون حجم تقاضا در مواقع کمبود با افزایش مواجه است دولت سیاست‌هایی نظیر سهمیه‌بندی و توزیع کالا برگ را در پیش می‌گیرد. اما طرح ارائه کوپنی اقلام که عمدتا شامل کالاهای اساسی نیز می‌شود با چند مشکل اساسی پیش‌روست.

از جمله اینکه کانال‌های توزیع درست عمل نمی‌کنند، زمینه‌ساز ایجاد شغل‌های کاذب هستند، ارائه آنها برای قشرهای مختلف جامعه عمومیت دارد در حالی‌که باید این سهمیه به قشر خاصی، اختصاص یابد و از همه مشکلات اخیر مهمتر، حرکت کالا برگ در جامعه به‌عنوان پول است که به‌هیچ وجه مطلوب نیست.

می‌توان گفت به علت همین مشکلات، دولت تصمیم به اجرای طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها گرفته که اجرای این طرح هم منوط به شرایطی است که در حال حاضر به نظر نمی‌رسد مقدمات اجرایی آن فراهم باشد.

اقتصاد ایران به‌دلیل دست به گریبان بودن با بیماری هلندی نظیر سال‌های ۱۹۸۰ با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است. از طرفی فشار هزینه‌ها به اقتصاد تحمیل شده که پیش‌بینی می‌شود این فشارها به‌خاطر تحریم‌های مطرح، شدیدترهم شود و از طرفی اقدامات دولت برای کنترل تورم با تسریع روند واردات تولید اصلی را با مشکل جدی مواجه کرده و در برخی موارد موجب نابودی تولید سنتی شده است.

در چنین وضعیتی از اقتصاد، پرداخت نقدی یارانه‌ها با دامن زدن به تورم فعلی، بر ضرورت کنترل این نرخ با افزایش واردات ـ تضعیف تولید داخلی ـ می‌افزاید.

لذا دولت برای هدفمند کردن یارانه‌ها از طریق پرداخت نقدی، نیاز به فراهم کردن الزاماتی دارد که شناسایی گروه‌های هدف از جمله مهمترین آنهاست.

به اعتقاد من، مهمترین و ضروری‌ترین اقدام در مرحله اول، شناسایی دقیق دهک‌های مختلف جامعه است. اینکه مشمولان سطوح درآمدی مختلف شناسایی شوند اقدام بزرگی است که متاسفانه طی سال‌های اخیر صورت نگرفته است. طبق نظریه پارتو، در حال حاضر ۸۰ درصد ثروت جامعه در اختیار ۲۰ درصد افراد جامعه است.

با این حال گرچه هدف از نقدی کردن یارانه‌ها مطلوب ارزیابی می‌شود، اما اقتضائات فعلی جامعه، تحقق آن را ممکن نمی‌سازد. همانطور که تجربه اعطای سهام عدالت نیز نشان داد مشخص نبودن دهک‌های پایین درآمدی، عملا فعالیت‌های از این دست ـ که مخاطب خاصی شامل می‌شود ـ با عدم توفیق روبه‌رو می‌کند.

***اقتصاددان و استاد دانشگاه**

اصلاح متناسب با تورم

جمشید پژویان: پرداخت نقدی یارانه به حامل‌های انرژی در صورت اجرای درست، به نفع فقرا و زیان اغنیا خواهد بود. با توجه به اینکه امکان هدفمند کردن یارانه‌ها در اقتصاد ایران به دلیل ساختارها و برخی شرایط مانند نظام پرداخت‌ها، مالیات و تامین اجتماعی عملی نیست، لذا بهترین راه غیر از آن، تعلق یارانه‌ها به بازار و پرداخت نقدی یا کالایی یارانه‌هاست. تعلق یارانه‌ها به بازار یعنی یارانه‌ها از حامل‌های انرژی گرفته و به طور سرانه به خانوار پرداخت شود، یا از طریق انتقال کالایی پرداخت شود. انتقال نقدی وجوه به افراد و یا به طور سرانه به خانوارها به جای یارانه‌های کنونی، به نفع گروه‌های کم‌درآمد و فقیر خواهد بود، زیرا یارانه به حامل‌های انرژی مانند بنزین و گازوئیل تعلق می‌گیرد چون این موارد کالاهایی هستند که در سبد خانوارهای فقیر قرار ندارند و در خانوارهای غنی و متوسط بیشتر از فقراست، بنابراین پرداخت نقدی یارانه به نفع فقراست. اگر دولت قصد پرداخت یارانه‌ها به شکل نقدی را دارد، متناسب با نرخ تورم، آن را هر سال اصلاح کند، این کار در ابتدا مشکل است، ولی کم کم مشکلات آن برطرف می‌شود.

***اقتصاددان و استاد دانشگاه، علامه طباطبایی**

نگاهی به طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها

سراب نقدی‌شدن

هنوز مشخص نیست باید طرح نقدی کردن یارانه‌ها را جدی گرفت یا خیر؟ اولین‌بار نیست که موج پرداخت نقدی یارانه‌ها جامعه را فرامی‌گیرد. هراز چندگاهی وعده‌های اجرای چنین طرحی که در باور عمومی از مطلوبیت خاصی هم برخوردار است شنیده می‌شود و از قضا جذابیت طرح آن به حدی است که به‌تنهایی می‌تواند یک شعار انتخاباتی تلقی شود. ظاهرا این طرح به نسخه خاصی از اقتصاد هم پایبند نیست و از سیاست‌های اقتصاد تعدیلی گرفته تا چپ‌ترین نسخه‌های اجرایی همه را شامل می‌شود. طرح این بحث در دولت نهم به یک عبارت کلی خلاصه شده است، اما به‌نظر نمی‌رسد از تفاوت جدی با سایر دفعات برخوردار باشد. اگرچه هنوز نمی‌توان قضاوت کاملی درباره آن کرد اما بخشی از این طرح مبتنی است بر پرداخت مرحله به مرحله یارانه‌های نقدی. این طرح در راستای هدفمند کردن یارانه‌ها قرار است یک جراحی بزرگ در یارانه اقتصاد ایران را موجب می‌شود. براساس این طرح که به پیشنهاد دانش جعفری تهیه شده، قرار است کالاهای اساسی و بخش انرژی به‌صورت سرانه نقدی میان گروه‌های هدف توزیع شود. به گزارش الف، در ویرایش‌های اولیه طرح، پیش‌بینی شده با حذف یارانه‌های موجود، مبلغ این یارانه به‌طور مستقیم، نقدی و سرانه‌بین همه اتباع ایران توزیع شود. یک بررسی اولیه، مبلغ قابل توزیع در سال ۸۷ را حدود ۵۰ هزار تومان برای هر نفر در ماه برآورد کرده است. همین مقدمه از طرح کافی‌است تا بدانیم قرار نیست بار سنگین شناسایی اقشار ضعیف بر دوش دولت سنگینی کند و کافی‌است تا پس از گذشت مدت زمانی این طرح نیز یک مخاطب عام ـ مثل تحریه سهام عدالت ـ داشته باشد اما مشکل دیگری که گفته می‌شود دولت را در نهایی و اعلام کردن این طرح دچار تردید کرده است به خطرات تورمی طرح باز می‌گردد که حتی موافقان سرسخت اجرای چنین نسخه هم بر آن تاکید می‌کنند. تکیه این طرح بیشتر در بخش‌هایی است که یارانه‌ها سمت و سوی مصرفی به خود گرفته و بخش تولید را بی‌بهره گذاشته است و به همین خاطر یارانه‌های حامل‌های انرژی را در ابتدا هدف قرار داده است و از جمله بنزین که براساس نسخه‌های ابتدایی طرح واریز نقدی آن به حساب همه افراد و به‌تدریج حذف آن از دریافتی مشمولان پردرآمد، مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین در مراحل بعدی این طرح گفته می‌شود یارانه کالاهای اساسی از قبیل گندم و نان مشمول طرح یارانه نقدی می‌شود و این امر در حالی رخ می‌دهد که نان قوت اصلی اقشار کم درآمد است و مواد اصلی تغذیه روزانه آنها را تشکیل می‌دهد، در حالی‌که در خانواده‌های پردرآمد اینگونه نیست و نان تاثیر کمتری در تغذیه روزانه آنها دارد. اما با وجود سابقه ناخوشایندی که این طرح در پرداخت یارانه نقدی مرغ و تخم‌مرغ در دوره سازندگی داشت هنوز از مقبولیت قابل توجهی در اذهان عمومی برخوردار است. تجربه تکرار از وعده‌های اخیر اجرای چنین طرحی نشان داده که پرداخت یارانه نقدی بهتر و کارآمدتر از یارانه‌های غیرنقدی می‌تواند مطلوبیت مصرف‌کنندگان را بالا ببرد اما باید در نظر داشت، نقدی کردن یارانه‌ها هر چند در باور عمومی مطلوب ارزیابی شود، تفاوت جدی با هدفمندکردن یارانه‌ها دارد. توزیع سرانه یارانه‌ها یک هدف بیشتر ندارد و آن تسری روحیه اعانه‌گیری است. ضمن اینکه به گفته بسیاری از کارشناسان این طرح یک ریسک بزرگ همراه با تبعات شدید اجتماعی خواهد بود که عوارض شدید روی طبقات پایین دستی خواهد داشت ضمن اینکه اعلام شتابزده چنین طرحی در سال پایانی فعالیت دولت خواه ناخواه جنبه یک اقدام تبلیغاتی را پیدا خواهد کرد.

●●●

احمد میدری، استاد دانشگاه، علامه طباطبایی و کارشناس مسائل اقتصادی که تجربه طولانی هم در بررسی طرح هدفمندکردن یارانه‌ها دارد، در گفت‌وگویی کوتاه با کارگزاران درخصوص این طرح توضیح می‌دهد.

■ آقای دکتر، ارزیابی کلی شما از پرداخت نقدی یارانه به مردم چیست؟

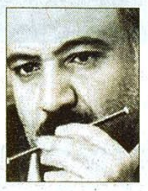

در ابتدا باید گفت این تصمیم دولت بسیار مهم برای همه مردم ایران ارزیابی می‌شود و به‌طور مستقیم زندگی تمامی مردم شهر و روستا در تمامی گروه‌های درآمدی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و علاوه بر اینکه مصرف‌کنندگان متاثر می‌شوند بسیاری از تولیدکنندگان هم از تغییر قیمت انرژی تاثیر خواهند پذیرفت و می‌شود گفت و بسیاری هم متضرر می‌شوند.

■ به اعتقاد شما پرداخت مرحله به مرحله یارانه نقدی به مردم، موجب تورم نخواهد شد؟

تغییر قیمت انرژی به‌طور قطع اثرات تورمی دارد. دولت باید نشان دهد که نظام کارشناسی مجموعه دستگاه‌های دولتی چه تدبیر و پیش‌بینی‌ای برای تورم بعد از آزادسازی قیمت انرژی اندیشیده‌اند. باید توجه کرد در برخی کشورها آزادسازی قیمت انرژی ـ مشابه با آنچه دولت در ایران می‌خواهد انجام دهد ـ نرخ تورم را بیش از ۲۰ درصد از مقدار پایه افزایش داده است و انتظار می‌رود بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی رئیس‌جمهور پیش‌بینی تورم ناشی از آزادسازی قیمت انرژی را اعلام کنند. از آنجا که تورم در حال حاضر نزدیک به ۲۰ درصد است (براساس اعلام بانک مرکزی) اگر این پایه تورم مثل سایر کشورها به بیش از ۴۰ درصد برسد اثرات بسیار شدیدی در تمام اقتصاد بر جای خواهد گذاشت.

■ می‌شود گفت این اقدام دولت در صورت شناسایی صحیح اقشار هدف، اثرات توزیعی بهتری دارد؟

باید ابتدا مشخص شود اثرات توزیعی این تصمیم بر اقشار مختلف به چه شکل است. برخلاف اینکه گفته می‌شود روستاییان از یارانه بنزین استفاده نمی‌کنند- که درست هم هست- اما از تبعات افزایش قیمت بنزین آسیب بیشتری می‌بینند.

■ چرا؟

چون برای روستاییان و حتی شهرهای کوچک دسترسی به شبکه حمل‌ونقل عمومی مشکل است و این گروه مجبورند برای استفاده از خدمات درمانی و اداری به شهرهای همجوار، مراجعه کنند. اینها بیشتر متضرر می‌شوند، اما کسانی که در تهران و شهرهای بزرگ سکونت دارند با دسترسی به شبکه حمل‌ونقل کمتر متضرر خواهند شد.

■ آیا با افزایش قیمت سوخت، صنایع کشور مزیت‌شان را از دست خواهند داد یا خیر؟

بسیاری از صنایع ایران، از مزیت سوخت ارزان استفاده می‌کردند. اگر گازوئیل گران شود، برخی صنایع که در حال حاضر هم قادر به رقابت با تولیدکنندگان خارجی نیستند، ضعیف‌تر خواهند شد در نتیجه امکان دارد با ورشکستگی برخی صنایع روبه‌رو شویم.

■ می‌شود طرح نقدی کردن یارانه‌ها را در جهت هدفمند کردن ارزیابی کرد؟

ابتدا دولت باید گزارش و اسنادی که این تصمیم را توجیه می‌کند منتشر کند تا بعد بتوان درخصوص آن ارزیابی کرد. آنچه مسلم است این است که این تصمیم که بنابر اظهار دولت ۱۰ میلیارد دلار هزینه دارد و به عبارتی آزاد کردن ۱۰ میلیارد دلار و تبدیل آن به پول نقد است اثرات تخصیصی زیادی بر اقتصاد تحمیل خواهد کرد. دولت باید نشان دهد که کارشناسانش چطور این اثرات تخصیصی را بررسی کرده‌اند و چه پیش‌بینی ای برای آن دارند.

فلاش‌بک

رضا مجیدزاده

بالماسکه شوک‌درمانی

برنامه تحول اقتصادی دولت در مورد هدفمند کردن یارانه‌ها که در طلیعه سال ۱۳۸۷ خورشیدی اعلام شد، ماهیت شوک‌درمانی دارد. به‌نظر می‌رسد طراحان و حامیان این برنامه، در این دولت و دولت‌های قبلی، توجهی به تجارب اجرای چنین سیاست‌هایی ندارند. ناکامی سرمایه‌داری آنارشیک در روسیه پساکمونیستی برجسته‌ترین نمونه نامناسب بودن شوک‌درمانی است. با وجود اینکه مشاوران آمریکایی روسیه این رویه را توصیه می‌کردند و چشم‌انداز اقتصادی روشنی برای دولت وقت روسیه در اواسط دهه ۱۹۹۰ ترسیم کرده بودند، در عمل، نه‌تنها سامان و رشد اقتصادی مورد انتظار محقق نشد، بلکه نابرابری و فساد اقتصادی گسترده اقتصاد روسیه را فراگرفت. علاوه بر تجربه روسیه در زمینه شوک‌درمانی و گذار شتابزده، تجربیات تاریخی بسیاری در مورد شکست شوک‌درمانی در کشورهای بلوک شرق و کشورهای در حال توسعه وجود دارد. یکی از مهمترین علل شکست شوک‌درمانی عدم‌توجه به ساختار نهادی و چیدمان خاصی از ماتریس نهادی است که وضعیت موجود را شکل داده و از مدارهای بازتولید آن پشتیبانی می‌کند. شوک‌های اقتصادی بدون پیش‌زمینه طراحی نهادی مناسب تنها نابسامانی را تشدید می‌کنند و آثار نامطلوبی بر اقتصاد به‌جا می‌گذارند. البته، در اکثر موارد طراحی نهادی گروه‌های ذی‌نفوذ به شوک‌درمانی می‌انجامد.

تحول اقتصادی

طرح هدفمند شدن یارانه‌ها یکی از برنامه‌های تحول اقتصادی برای سال ۸۷ است. آنچنان‌که از اطلاعات منتشره برمی‌آید، یارانه کالاهای اساسی و بخش انرژی به‌صورت سرانه نقدی میان گروه‌های هدف توزیع خواهد شد. از جمله دلایل توجیه طرح این است که در حال حاضر شیوه توزیع یارانه‌های انرژی در کشور که حدود یکصد میلیارد دلار در سال است، به‌گونه‌ای است که بخش اعظم آن نصیب اقشار غنی و توانمند جامعه می‌شود. از آنجا که کمتر از یک‌درصد این یارانه‌ها به اقشار و دهک‌های ضعیف و بیشتر از ۳۰درصد آن به دهک‌های غنی مثل دهک دهم می‌رسد، اثر توزیعی یارانه‌ها وارونه است و در عمل تنها هزینه هنگفتی را سالانه به دولت تحمیل می‌کند. مدافعان طرح نقدی کردن یارانه‌ها، اجرای سهام عدالت را به‌عنوان دلیلی برای قابل شناسایی بودن گروه‌های درآمدی هدف عنوان می‌کنند و معتقدند بانک داده حاصل از اجرای طرح سهام عدالت می‌تواند به‌عنوان بستر اطلاعاتی شناسایی گروه‌های هدف در طرح نقدی کردن یارانه‌ها مورد استفاده واقع شود. در اولین مرحله اجرای این طرح، یارانه حامل‌های انرژی از جمله بنزین به‌صورت نقدی در حساب همه افراد واریز خواهد شد و به‌تدریج افراد پردرآمد از مشمولان دریافت یارانه انرژی حذف می‌شوند. در مراحل بعدی یارانه کالاهای اساسی از قبیل گندم و نان مشمول طرح یارانه نقدی می‌شود.

آن روی سکه

به نظر می‌رسد طراحی نهادی هدفمندسازی یارانه‌ها معطوف به حمایت از طبقات اقتصادی کم‌درآمد بوده است. منتها به دلیل وجود ملاحظاتی دستیابی به چنین هدفی دور از ذهن است. اول، هدفمندسازی یارانه به معنای حذف یارانه به تولید و عرضه کالاهای پیش‌گفته است. بدینسان، قیمت کالاهای پیش‌گفته افزایش می‌یابد، این افزایش لزوما به معنای رسیدن آن به حد قیمت‌های به‌اصطلاح واقعی بازاری نیست، زیرا شاخص‌بندی به میزان تاثیرگذاری اصناف ذی‌ربط بر جریان اطلاعات در بازار، یعنی نابرابری و عدم‌شفافیت اطلاعات و قدرت چانه‌زنی آنها در طراحی نهادی بستگی دارد. به عبارت دیگر، دستیابی به قیمت رقابتی در اقتصادی که نهادهای انگیزاننده رقابت ندارد و نابرابری‌های ساختار توزیع درآمد از عوامل اصلی قدرت شاخص‌بندی بیش از حد است، حالتی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. علاوه بر این، پیش‌بینی در مورد قیمت کالاهایی که مشمول طرح می‌شوند، به‌ویژه انرژی، نقش بسیار حیاتی در شکل‌گیری انتظارات تورمی دارد. از این‌رو، شوک‌درمانی معطوف به قیمت انرژی پتانسیل‌های تورمی اقتصاد ایران را به‌شدت تحریک می‌کند. سیاست‌های تورم‌زا نه‌تنها به طبقه کم‌درآمد کمکی نمی‌کند، بلکه آنها را زیر خط فقر محبوس می‌سازد. در سطح خرد، کاهش درآمد واقعی باعث می‌شود تا یارانه دریافتی مصروف کالای مورد نظر نیز نشود. اعطای یارانه نقدی خط بودجه مصرف‌کنندگان را به موازات خود انتقال می‌دهد، یعنی آنها می‌توانند علاوه بر خرید از کالای هدف، خرید کالاهای دیگر را نیز افزایش دهند. از این‌رو، با ایجاد فشارهای تورمی قسمت بیشتری از بودجه خود را به کالاهایی اختصاص می‌دهند که کشش قیمتی تقاضای‌شان برای آنها کمتر است. برای طبقات اقتصادی کم‌درآمد، انرژی یکی از کالاهای کم‌کشش است. علاوه بر این، بار تورمی چنین سیاست‌های شوک‌گونه بدون‌شک بخش مسکن را نیز تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. اجاره مسکن اولویت سبد مصرفی طبقات اقتصادی کم‌درآمد است. با فشارهای تورمی، بخش مسکن و اجاره‌بها نیز متاثر می‌شود و افزایش قیمت و اجاره مسکن طبقات کم‌درآمد را به حومه شهرهای بزرگ می‌کشاند. گرایش به حومه شهرهای بزرگ به معنای سودآوری سفته‌بازی با زمین‌های این نواحی است. یعنی بورژوازی مالکان از این فرصت نهایت بهره را برده و به افزایش سفته‌بازی با زمین‌های نواحی حومه می‌پردازند. به این ترتیب مشاهده می‌شود که این طبقه مجددا تنها منتفع شوک‌درمانی است که در قالب هدفمندسازی یارانه‌ها اعمال می‌شود. ضمن اینکه دیگر نشانی از طبقات هدف نیز مشاهده نمی‌شود و آنها از فضای جریان اقتصادی نیز بازمانده‌اند. دوم، هدفمندسازی یارانه‌ها، از بعد اجرا، زمانی موفق خواهد بود که گروه‌های هدف به خوبی و کامل شناسایی شوند. هرگونه خطا هزینه‌های انسانی را به همراه دارد که غیرقابل جبران است. با وجود اینکه نظام آماری اقتصاد ایران اطلاعات و داده‌های یکدستی ارائه نمی‌کند، چگونه می‌توان به شناسایی کارآمد این گروه‌ها امیدوار بود. با گذشت چند سال از طرح کارت ملی و لزوم ارائه آن از اوایل مهرماه سال گذشته، هنوز بخشی از ایرانیان کارت ملی خود را دریافت نکرده‌اند. به‌علاوه مشکلات اجرایی در مورد کارت سوخت نیز نشان می‌دهد که نمی‌توان خطاهای انسانی و شناسایی را نادیده گرفت. سوم، دولت اگر به دنبال تحول اقتصادی است باید به کارآمدسازی اجرا و کم‌هزینه کردن آن توجه کند. هرگونه تغییر اقتصادی تنها در صورتی موفق خواهد بود که به عوض تکیه بر آموزه‌های تخیلی اقتصاد مرسوم و بازی با نظام قیمت‌ها و تغییر ظواهر به اصلاح و کارآمدسازی ساختار نهادی توجه شود تا در بلندمدت نتایج مطمئن‌تری را شاهد باشیم.

یک توفیق مشروط

وحید محمودی*

۱- آقای خاتمی دو کار زمین مانده از دولت خود را یکی هدفمند کردن یارانه‌ها و دیگری بازمهندسی در ساختار و فرآیندهای دولت برشمرد که به دولت نهم توصیه اجرای این دو طرح مهم را داشتند. هر دو طرح هم از تکالیف مصرح برنامه چهارم توسعه است. بنابراین اهتمام دولت به هدفمند کردن یارانه اقدامی میمون و مبارک است.

۲- کشوری که در حال انتقال از اقتصاد دولتی به اقتصاد بخش خصوصی و بازار است باید در این فرآیند انتقال دخالت خود را در ساز و کارهای اقتصادی به حداقل برساند و به سمت شفافیت اقتصادی حرکت کرده و بسترهای نهادی برای حاکمیت بازار را فراهم کند. پرداخت یارانه‌های نقدی بهتر ما را به سمت حاکمیت بازار و نظام قیمتی هدایت و از انحراف قیمتی جلوگیری می‌کند، اما توفیق این مهم یعنی پرداخت یارانه نقدی مشروط به پذیرش این پارادایم فکری و قبول حرکت به سمت نظام بازار است. در آن صورت یارانه نقدی یکی از عناصر آن بسته سیاستی است که باید توامان اجرایی شود تا منتج به نتیجه مطلوب شود. نمی‌توان همزمان تمایل به دخالت در سایر متغیرهای اقتصادی نظیر نرخ سود بانکی داشت و یارانه‌ها را هم نقدی کرد.

۳- اصولا هدف از پرداخت یارانه، کمک به گروه‌های پایین درآمدی است. ما در ادبیات اقتصادی سه نوع هدف‌گیری داریم؛ یکی هدف‌گیری کامل (Full targeting) به این معنی که گروه‌های هدف را دقیقا شناسایی کنیم و این کمک‌ها دقیقا به هدف اصابت کند. دولت با همه تلاشی که کرده است عملا امکان شناسایی گروه‌های هدف را به‌طور کامل ندارد و عملا با اجرای هدف‌گیری کامل دچار خطای نوع اول مرسوم می‌شود، به این معنی که برخی افراد که مستحق کمک هستند به‌دلیل ضعف اطلاعات آماری در سبیل هدف قرار نمی‌گیرند و برخی افراد که مستحق کمک نیستند در دایره هدف قرار می‌گیرند. دومین نوع هدف‌گیری هدف‌گیری جزئی (Partial targeting) که به برخی از گروه‌های هدف که قابل شناسایی هستند یارانه پرداخت می‌شود؛ کاری که هم‌اکنون تا حدی انجام می‌شود و کارآمدی و پوشش لازم را ندارد. سومین نوع هدف‌گیری صفر (nul targeting) است به این معنی که چون امکان شناسایی تحقیق گروه‌های هدف عملا ممکن نیست پرداخت یارانه به همه مردم صورت گیرد که در این صورت کاملا مطمئن خواهیم بود همه افرادی که مستحق کمک هستند عملا پوشش داده شده‌اند. هر کدام از این روش‌ها مزایا و معایبی دارند، اما اگر طرح درست اجرایی شود انتخاب هدف‌گیری صفر برای یک کشور نفتی توجیه بالا دارد و نه کشوری که درآمد آن از محل مالیات تامین می‌شود. جنس و منشاء درآمد متفاوت است.

عکس: مهدی نصرتی-کارگزاران

۴- اجرای صحیح طرح باعث بهبود در توزیع درآمدها می‌شود. اجازه بدهید برای روشن شدن موضوع مثالی بزنم. فرض کنید جامعه‌ای داریم که در آن فقط سه نفر زندگی می‌کنند؛ درآمد اولی روزی ۱۰۰ هزار تومان، دومی ۱۰ هزار تومان و سومی یکهزار تومان. این یک جامعه نابرابر است. در این جامعه سه نفری یک چاه نفت پیدا شده و قرار است درآمد این چاه را بین خود تقسیم کنند. یک روش عادلانه این است؛ به کسی که کمتر دارد بیشتر و به کسی که بیشتر دارد کمتر داده شود. روش دیگر این است که به میزان مساوی درآمدها را بین سه نفر تقسیم کنیم و یک روش هم این است که به هر فرد متناسب درآمدش بدهیم که البته روش ظالمانه‌ای است. در حالت اول و دوم ضریب نابرابری کاهش می‌یابد یعنی توزیع درآمد بهتر می‌شود. البته روش اول بهتر و بهینه‌تر است، اما لازم است که از وضعیت تک‌تک افراد در جامعه آگاه باشیم که با توجه به امکانات و شرایط موجود، شناسایی وضعیت درآمدی تک‌تک افراد جامعه دور از دسترس است. تنها روش دوم است که به‌رغم آنکه به افراد برخوردار هم کمک می‌شود ولی وضعیت رفاهی جامعه (به‌خصوص افراد با درآمد پایین) را بهتر خواهد کرد.

۵- هم‌اکنون چیزی حدود ۸۵ میلیون لیتر در روز مصرف بنزین داریم که حدود ۳۰ میلیون لیتر آن را مجبوریم وارد کنیم. حدود سه میلیون لیتر از این واردات از طریق قاچاق به کشورهای همسایه می‌رود که قیمت بنزین در آنها ۳ تا ۲۰ برابر ایران است و در حدود ۱۵ میلیون لیتر به وسیله ماشین‌های کهنه و غیراستاندارد هدر می‌رود. همچنین متوسط مصرف بنزین خودروهای ساخت داخل ۱۲ الی ۱۴ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر است در حالی که مصرف استاندارد بنزین در دنیا ۶ الی ۸ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر است. ملاحظه می‌شود که ادامه این وضعیت اسفبار توجیهی ندارد و حجم بالایی از منابع به‌صورت یارانه در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که صاحب اتومبیل شخصی و جزء گروه‌های درآمدی متوسط به بالا هستند. عطف به بند چهار این یادداشت غنایت دانسته باشید که با آزادسازی قیمت بنزین عملا با وجود اینکه یارانه به‌طور مساوی به همه داده می‌شود اما عملا به‌طور مثال ماهی ۳۰۰ هزار تومان از این دست از افراد گرفته می‌شود در عوض ماهی ۱۰۰ هزار تومان به آنها می‌شود، اما از گروه‌های درآمدی پایین چیزی گرفته نمی‌شود اما ماهی ۱۰۰ هزار تومان به آنها پرداخت می‌شود، البته مشروط به اینکه این طرح به‌گونه‌ای اجرایی شود که تورم‌زا نباشد.

۶- اگر قرار باشد که دولت سیاست حمایت نقدی را در پیش گیرد باید صرفا به پرداخت یارانه بنزین اکتفا نکند و نظام حمایتی خود را در این راستا بازمهندسی کند، نه اینکه نهادهای حمایتی به همان شیوه قبلی بخواهند عمل کنند و این هم به ساختار و بوروکراسی قبلی نظام حمایتی اضافه شود.

۷- چون هیچ‌گونه اطلاعی از ابعاد سیاست پرداخت یارانه نقدی توسط دولت در دست نیست قضاوت درخصوص این طرح را به بعد از اعلام این سیاست توسط دولت موکول می‌کنیم.

***اقتصاد دان و استاد دانشگاه تهران**